طرح صیانت؛ این بار برای زنان

افشین عزیزی، کارشناس ارشد حقوق: برگ‌های کتاب تاریخ مملو از صفحات پر درد و رنج تحقیرها و تبعیض‌های متفاوت است. در یک سده گذشته، با تلاش گروه‌های تحت تبعیض و روشنگری اندیشمندان و فعالان اجتماعی، نگاه‌های تبعیض‌آمیز دستکم در حوزه قوانین و مقررات کشورها تا حد زیادی دستخوش اصلاح و تعدیل شده است؛ برای مثال امروزه ممنوعیتی برای به‌قدرت‌رسیدن زنان یا اقلیت‌ها در قوانین بسیاری از کشورها وجود ندارد و قوانین نانوشته یا شرایط فرهنگی حاکم بر این جوامع است که تاب نشستن زنان یا اقلیت‌ها را در رأس قدرت سیاسی ندارد. یکی از راه‌حل‌های ارتقای جایگاه زنان یا سایر گروه‌های درگیر تبعیض، استفاده از تبعیض مثبت برای کاهش فاصله ایجادشده میان این گروه‌ها و گروه مسلط است؛ برای مثال ایجاد سهمیه خاص در آزمون‌های استخدامی این کشور هند برای گروه‌های موسوم به «دالیت» را که در نظام اجتماعی این کشور اساسا مجالی برای پیشرفت نداشتند، می‌توان نوعی تبعیض، اما از نوع مثبت به منظور واردکردن اعضای این قشر از جامعه به متن اجتماع و کاستن از نابرابری‌ها دانست. آنچه را طی روزهای اخیر در اقدام برخی شهرداری‌ها و سخنان اعضای شورای شهر پایتخت درخصوص اختصاص بخشی از پارک‌های موجود به زنان و دختران دیده و شنیده‌ایم، شاید در نگاه اول بتوان نوعی تبعیض مثبت و تلاش برای کاهش نابرابری شدید زنان در بهره‌مندی از امکانات شهری و فضاهای تفریحی و منطبق بر بندهای ۹ و ۱۴ اصل سوم قانون اساسی دانست. براساس این دو بند، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم این قانون، همه امکانات خود را برای رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی (بند ۹) و تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و... تساوی عموم در برابر قانون (بند ۱۴) به کار ببرد. برخلاف ظاهر حمایتی گفته‌های فوق، نمی‌توان تلاش برای اختصاص بخشی از پارک‌ها را لزوما به معنای تبعیض مثبت و در راستای احقاق حقوق زن در جامعه قلمداد کرد. از جمله اصول تبعیض مثبت این است که ابتدا وجود تفاوت و نابرابری را در اقشار تحت تبعیض با سایرین نفی کرده و سپس به دنبال ایجاد برخی فرصت‌های ویژه اما موقتی برای کاهش شکاف طبقاتی ایجادشده طی سالیان دراز باشیم؛ بنابراین لازم است ابتدا بپذیریم زن و مرد تفاوتی مبنایی با یکدیگر ندارند، سپس دست به برخی تبعیض‌های مثبت بزنیم. کما اینکه بند ۱ ماده ۴ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان- که ایران هنوز به آن نپیوسته- مصوب ۱۹۷۹ (۱۳۵۸ خورشیدی) بیان می‌دارد «پذیرش تدابیر ویژه موقتی که به منظور تسریع برابری موقت میان مردان و زنان توسط دولت‌های عضو صورت می‌گیرد نباید به‌عنوان تبعیض به نفع زنان آن‌چنان که در این کنوانسیون تعریف شده است تلقی گردد ولی به‌هیچ‌وجه نباید منتج به حفظ استانداردهای جداگانه یا نامساوی بشود». بنابراین آنچه درخصوص تخصیص بخشی از پارک‌ها به زنان محل تأمل و نگرانی است، همین مهم است که اختصاص بخشی از پارک‌ها به زنان و تلاش برای ارتقای حداقل بهره‌مندی ایشان از دسترسی به امکانات تفریحی و ورزشی، بدون پذیرش برابری زن و مرد از جمله در انجام فعالیت‌های ورزشی نظیر دوچرخه‌سواری و موتورسواری صورت می‌گیرد؛ ازاین‌رو با توجه به تجربه ناخوشایند شهروندان از سرانجام اقداماتی که ظاهر حمایتی، صیانتی و نظارتی داشته‌اند، نمی‌توان به فرجام چنین طرحی چندان خوش‌بین بود و چه‌بسا پس از اجراشدن این طرح، شاهد ممانعت از انجام برخی ورزش‌ها نظیر ورزش صبحگاهی، بدمینتون، دوچرخه‌سواری و اسکیت‌سواری زنان و دختران در بخش‌های عمومی پارک‌ها به بهانه وجود بخش اختصاصی زنان باشیم! و این‌بار در پارک‌های تهران شاهد ممانعت‌هایی باشیم که در برخی شهرها درخصوص دوچرخه‌سواری و موتورسواری زنان صورت می‌پذیرد یا مانند قطارهای مترو، شاهد حذف عملی زنان از بخش عمومی باشیم. علاوه بر اینها نباید از یاد برد که کاهش دسترسی مردان به پارک‌ها می‌تواند برای دسترسی مردان سالمند یا دارای معلولیت به نزدیک‌ترین پارک دشواری‌هایی ایجاد کند، زنان، به‌ویژه زنان سرپرست خانواده را در رفتن به پارک با فرزند نوجوان خود دچار مشکل کند، فضای پارک‌ها را از حالت خانوادگی خارج سازد و حتی با توجه به احتمال حضور بخشی از زنان به‌تنهایی در پارک‌های مخصوص زنان، چه‌بسا احتمال سرقت و زورگیری از ایشان در فضاهای منتهی به پارک‌ها افزایش می‌یابد که هریک از این موارد خود ناقض حقوق شهروندان از جمله زنان و حق بر شهر است.

پارک‌های کودک همراه پدر و مادر

شیما نصیری: معمولا هنگامی که والدین تصمیم می‌گیرند که یک تفریح و سرگرمی را برای کودکان خود فراهم کنند، یکی از گزینه‌ها قطعا پارک و خانه‌ها یا اتاق‌های بازی هستند. در کشورهای مختلف جهان به موضوع ایجاد پارک‌هایی با موضوعات یا همان تِم‌های جذاب که هم کودکان و هم والدین را راضی نگه دارند، بسیار توجه می‌شود. می‌توان گفت بالای ۹۵ درصد کشورهای دنیا دارای پارک‌های موضوعی هستند که هرکدام جذابیت‌های منحصربه‌فردی داشته و می‌توانند کودکان را در مدت‌زمان طولانی سرگرم کنند. درعین‌حال فضاهایی هم برای حضور پررنگ والدین در کنار کودکان در نظر گرفته شده که کودکان در حین بازی احساس امنیت کامل کنند.

پارک‌های تفریحی کودکان و والدین که آموزشی هم هستند

این پارک‌های ملی معمولا دارای موضوعات مختلفی مانند کارتون‌های دیزنی معروف، ساخت‌وساز، مدرسه رانندگی، قوانین و مقررات، قوانین تغذیه‌ای و سایر موارد مشابه هستند که هرکدام می‌توانند در حین ایجاد سرگرمی و تفریح برای کودکان در کنار والدین‌شان، آموزش‌های لازم را نیز به آنها داده و به علم کودکان دوچندان بیفزایند. اکثر این پارک‌های کودکان به دلیل نوع طراحی یا ایجاد اتاق‌های کارتونی، برای بچه‌ها بسیار جذاب هستند و درعین‌حال برای یک خانواده سرگرمی خوبی هم به شمار می‌روند. یکی از معروف‌ترین آنها دنیای والت دیزنی است که بدون هیچ محدودیتی توانسته برای یک خانواده فضای مفرحی را به وجود آورد و کودکان را به همراه والدین آنها پذیرا باشد. در ایالت‌های مختلف آمریکا نیز پارک‌های موضوعی با اهداف آموزشی متفاوت چنان خودنمایی می‌کنند که نمی‌توان به‌راحتی از کنار آنها گذشت و قطعا جاذبه‌های خارق‌العاده آنها توانسته هم کودکان و هم والدین آنها را جذب کند.

پارک‌های موضوعی جهان برای کودکان و والدین آنها

نکته قابل تأمل اینجاست که تمام این پارک‌های کودکان بدون هیچ محدودیتی فضا را برای استفاده والدین چه مادر و چه پدر فراهم آورده تا کودک بتواند با وجود هم‌زمان والدین خود از این امکانات بهره‌مند شده و احساس امنیت خاطر بیشتری کند. اینکه با جست‌وجوی عنوان «The special park for mother and Child» بتوان تعداد فراوانی پارک در جهان یافت که مخصوص حضور مادران و کودکان باشد، کمی با قوانین برابری در کل جهان تناقض پیدا می‌کند و با جست‌وجوی این موضوع تنها می‌توان به عناوین «The Special parking for Parents and Child» به معنی «پارکینگ‌های مخصوص والدین و کودک» یا «The Special park for Parents and Child» به معنای «پارک‌های مخصوص والدین و کودک» در گوگل دست یافت. برای آشنایی هرچه بیشتر با این موضوع و اینکه در کشورهای بزرگ دنیا چه نوع پارک‌هایی برای کودکان و والدین آنها طراحی و ساخته شده است، به نمونه‌هایی از این پارک‌های موضوعی خانوادگی اشاره می‌کنیم که معرفی آنها خالی از لطف نخواهد بود. هرچند ممکن است این پراک‌ها کوچک باشند؛ اما هرکدام با یک هدف آموزشی و تربیتی طراحی شده‌اند.

Beto Carrero World (برزیل): بزرگ‌ترین پارک موضوعی آمریکای لاتین است که ترکیبی از ترن‌ها، تفریحات آبی، اتاق‌های آموزشی، مناطق باغی و دهکده‌های موزیک و فیلم را هم‌زمان در خود جای داده و هم برای کودکان و هم والدین بسیار مناسب است.

Canada's Wonderland (کانادا): یکی از معروف‌ترین پارک‌های موضوعی جهان که هم سرزمین عجایب دارد که برای سنین مختلفی طراحی شده و هم اتاق‌های بازی دارد که در آن به والدین اختیاراتی می‌دهند که بتوانند همراه کودک خود بوده و حتی با آنها بازی کنند.

افتلینگ (هلند): بزرگ‌ترین پارک موضوعی هلند دارای وسایل سواری با بند سفید است؛ اما بزرگ‌ترین جاذبه آن تمرکز بر اسطوره‌ها، افسانه‌ها و فولکلور است.

این نمونه‌های پارک‌ها از معروف‌ترین‌ها و بزرگ‌ترین‌ها بودند؛ اما پارک‌های موضوعی دیگر هم مخصوص کودکان و والدین در کشورهایی مانند دوبی، چین، دانمارک، نیوزیلند، آمریکا، انگلستان، فرانسه، ژاپن، استرالیا و آفریقای جنوبی هستند که شاید مساحت بسیار بالایی نداشته باشند؛ اما به دلیل نوع طراحی و ایجاد فضاهای مفرح و سرگرم‌کننده چنان مورد توجه قرار گرفته‌اند که والدین برای افزایش سطح علمی کودکان خود ترجیح می‌دهند از این پارک‌ها استفاده کنند. در پایان می‌توان گفت، ایجاد پارک‌های تفریحی ویژه کودکان و خانواده چنان باید هدفمند و با خلق موضوعات مختلف آموزشی به شکل زیرپوستی انجام شوند که یک خانواده با اطمینان خاطر از این سرگرمی نهایت بهره را برده و بتوانند اوقات خوشی را سپری کنند؛ در واقع این همان موضوع مهمی است که در حال حاضر اکثر کشورهای دنیا برای ایجاد پارک‌های کودک و والدین به آن توجه ویژه‌ای دارند.

یادداشت

فضاهای عمومی متعلق به همه مردم است

محمدمهدی عابدی، استاد دانشگاه و طراح شهری: در دنیا رویکردهای گوناگون شهرسازی به گروه‌های مختلف اجتماعی را داریم تا بتوانیم فضاهای شهری را برای همه گروه‌ها مناسب کنیم. مفهومی به نام شهرسازی همه‌شمول یا معماری همه‌شمول وجود دارد تا هر کسی که در شهر زندگی می‌کند، بتواند از فضاهای شهری و امکانات گوناگون استفاده کند.

در رویکردی به نام مکان‌سازی بخشی از اقداماتی که پیشنهاد می‌شود، توجه به زنان و نیازهای‌شان به‌عنوان یک گروه اجتماعی است.

همان‌طور که گروه‌های دیگر اجتماعی مانند سالمندان، کودکان و معلولان هم هستند و در دوران مدرن کمتر دیده شدند، توجه به این گروه‌های اجتماعی در دوران پست‌مدرن و دوران معاصر کنونی که در آن قرار داریم، توصیه زیادی می‌شود؛ چون در تصویر ذهن اکثر مدیران و مردم، واژه‌ای به نام مردم یک واژه بسیار کلی و مبهم است.

درمورد رفع نیازهای آدم‌ها در شهر صحبت می‌کنیم؛ درحالی‌که در استانداردهایی که در شهر رخ می‌دهد و ساخت‌وسازهایی که در شهر اتفاق می‌افتد و مسیرهایی که در شهر طراحی و ساخته می‌شود، منظور از مردم یک آدم یا مرد مثلا ۳۰ساله با عرض شانه ۶۰، ۷۰ و قد ۱۷۰ سانتی‌متر است و اصلا تصور نمی‌کنیم که این آدمی که درموردش صحبت می‌کنیم، می‌تواند در هیبت یک بچه‌ای باشد که توپ در دستش است و به دنبال توپش می‌دود یا یک خانم باردار است یا پیرمردی است که عصا دارد یا فرد دارای معلولیتی است که با ویلچر در حال حرکت است؛ بنابراین وقتی در شهر تهران نگاه می‌کنید، می‌بینید ۹۰ درصد شهر تهران برای معلولان و سالمندان قابل استفاده نیست؛ زیرا به این موضوع توجهی ندارند. مثلا در شهر درمورد رمپ و شیب آن اختلاف سطح عجیبی داریم یا مفهومی مثل کوچه‌های شهر که محل امنی برای کودکان و بانوان بوده، کاملا از بین رفته است.

اینکه فضاها را جنسیتی بکنیم، اندکی پیچیده‌تر از این حرف‌هاست که یک فضا را فقط به یک گروه خاص اختصاص دهیم. چنین مواردی را در حوزه شهرسازی ندیده‌ام. فضای عمومی یعنی فضای قابل دسترس و قابل استفاده برای همه؛ در مقابل فضاهای تک‌جنسیتی، فضاهای همه‌شمول را در حوزه شهرسازی و توسعه شهری توصیه می‌کنیم. اگر بخواهیم فضایی را مختص به افراد یا یک گروه اجتماعی خاص بکنیم، در حق سایر افراد اجحاف کردیم؛ مثلا درباره استادیوم‌ها تلاش‌مان بر این است که حضور بانوان در استادیوم‌ها و ورزشگاه‌ها تثبیت شود؛ اما این اتفاق نمی‌افتد و همه از این موضوع ناراحت‌اند. فضاهای شهری هم همین‌طورند. به نظر من ایجاد دیوار و جداسازی فضاها به یک گروه اجتماعی مثل بانوان حداقل در آینده کمک چندانی نمی‌کند.

تنها کسی که می‌تواند پاسخ درستی به این موضوع بدهد که آیا فضای مختص خودشان می‌خواهند یا نه، خود بانوان هستند. البته با توجه به محدودیت‌هایی که در کشورمان وجود دارد؛ مانند بحث حجاب شاید برای گروه‌های خانم‌ها جذاب باشد که به فضاهایی بروند که بتوانند بدوند و راحت حجاب نداشته باشند و آزادانه‌تر رفتار کنند؛ ولی فضاهای تک‌جنسیتی در شهرسازی در راستای دموکراسی نیست و همه باید قدرت و فرصت برابر را داشته باشند که به فضاهای عمومی دسترسی داشته باشند.

نکته جالب این است که در تعریف فضای شهری در ادبیات تخصصی خودمان این را داریم که فضای شهری فضای عمومی و قابل دسترس برای همه گروه‌های اجتماعی است؛ یعنی اگر حضور یکی از گروه‌های اجتماعی را محدود بکنیم دیگر یک فضای عمومی شهری به حساب نمی‌آید؛ بنابراین بسیاری از فضاها هستند که به اشتباه فضای شهری نام برده می‌شوند؛ اما فضای شهری به شمار نمی‌آیند؛ چون دسترسی همه افراد به فضا را محدود کردند؛ بنابراین باید در فضاهای شهری و فضاهای معماری‌مان به نیازهای بانوان توجه کنیم و باید بدانیم که یک خانم با یک آقا فرق می‌کند و یک خانم نیازهای خاص خود را دارد، از نیازهای روانی گرفته تا نیازهای جسمانی؛ شاید دسترسی سریع خانم‌ها به داروخانه به خاطر نیازهای جسمانی که دارند نسبت به آقایان تفاوت داشته باشد و باید این را لحاظ کنیم. یک مرد کفش پاشنه‌بلند نمی‌پوشد؛ ولی یک خانم می‌پوشد و باید در کف‌سازی‌ها و چنین طراحی‌هایی این موارد دیده شود. یک خانم به حس امنیت بیشتری نیاز دارد و یک خانم هر جایی در شهر نمی‌رود و خانم‌ها در فضاهای ناامن حس متفاوت‌تری دارند نسبت به آقایان و این یک موضوع روانی در چنین بحثی است. مفاهیمی مانند شهر دوستدار کودک یا شهرهای دوستدار سالمند داریم؛ اما این‌طور نیست که فضایی را فقط به کودک یا سالمندان مختص کنند و این فضا قابل استفاده برای کودکان، سالمندان و معلولان هم هست.

فضاهای جنسیتی را توصیه نمی‌کنیم و فکر می‌کنیم محکوم به شکست است؛ اما مرجع اصلی این موضوع خود خانم‌ها هستند و باید از خود خانم‌های ایرانی پرسید. در شهرسازی فضاهای دوستدار کودک و سالمند و گروه‌های اجتماعی مثل معلولان و مواردی از این دست داریم که نیازهایشان برطرف شود؛ ولی فضاهای تک‌جنسیتی گروه‌های اجتماعی به‌عنوان فضای عمومی در شهر نداریم. شاید فضاهای خصوصی خاصی به آنان اختصاص داده شود؛ مانند سرویس بهداشتی که خانم‌ها و آقایان جدا باشد یا فضاهایی که نیازهایی از این دست را برطرف می‌کند؛ اما جز این مورد دیگر فضاهای تک‌جنسیتی را نداریم و توصیه هم نمی‌کنیم؛ اما باید پژوهشی انجام داد که آیا این اقدام در شهر درست است یا خیر؟!

در پشت برنامه تفکیک جنسیتی پارک‌ها چه می‌گذرد؟

بوستان مادر و کودک اسم رمز حصارکشی پارک‌ها

نورا حسینی: دنبال دالان‌های میله‌ای هستم که تنها مادران و کودکان در آنجا اجازه تردد دارند. فضایی که به گفته مدیران شهری قرار است زنان آزادانه‌تر در آن قدم بزنند و با کودکانشان بازی کنند. از لیست ۲۷ پارکی که می‌گویند تبدیل به پارک کودک و مادر شده پارک اسدآبادی در منطقه ۶ و پدر در منطقه ۲ را انتخاب می‌کنم. بعد از افطار است، وارد پارک که می‌شوم آنچه بیشتر به چشم می‌آید تاریکی پارک است. تنها زمین بازی کودکان روشن است و بیشتر پدرها کنار پارک نشسته‌اند و نظاره‌گر بازی فرزندانشان. چند نفری هم در همان تاریکی روی نیمکت‌ها نشسته‌اند و حرف می‌زنند. زنی انتهای پارک به چند گربه غذا می‌دهد. دور پارک دنبال میله‌های جداکننده می‌گردم. شاید در تاریکی به چشم نیایند، اما خبری از فضای جداشده‌ای که می‌گویند نیست. از نگهبان پارک می‌پرسم بخش اختصاصی مادران و کودکان کجاست. به نمازخانه سابق پارک اشاره می‌کند و می‌گوید قرار است اینجا اتاق مادر و کودک شود و آلاچیق وسط پارک هم برای نمازخانه مناسب‌سازی شده است.

در تاریکی پارک کمی نگرانم گوشی‌ام را از کیفم بیرون بیاورم و از اتاقکی عکس بیندازم که یک ماهی است به عنوان کارنامه کاری شهردار تهران در هر جلسه‌ای به آن اشاره می‌شود. مدیران شهری می‌گویند ایجاد این فضاها برای امنیت مادران و کودکان است اما در این اتاقک‌های کوچک چه برنامه‌ریزی ویژه‌ای می‌توان برای کودکان و مادران کرد و هم‌زمان امکان میزبانی چند نفر وجود دارد؟

اما آنچه بیشتر از اتاقک ۲۰ متری به چشم می‌آید میله‌هایی است که دور تا دور پارک کشیده‌اند. میله‌هایی که از زمان غلامحسین کرباسچی شهردار وقت تهران از دور پارک‌های شهر تهران حذف شده بود. به گفته قدیمی‌های شهرداری آن زمان که کرباسچی حصار پارک‌ها را برداشت، نهادهای امنیتی از جمله نیروی انتظامی با این اقدام مخالفت کردند زیرا تصور می‌کردند از آن پس پارک‌ها جولانگاه بزهکاران و مرکز آسیب‌های اجتماعی شود، اما کرباسچی می‌گفت که پارک‌ها برای مردم است، سرانه سکونتگاهی است و باید فضا باز شود. در عمل حضور مردم در پارک‌ها امنیت را ایجاد کرد و این حضور حول فرهنگسراهای پارک‌ها، سینماها، بازارچه‌های پارک‌ها و... شکل گرفت و در حقیقت امنیتی‌شدن فضای شهرها به علت عدم حضور نظارت اجتماعی است. در این پارک محلی خبری از معتاد متجاهر و... نیست اما قدم‌زدن در بخش‌های تاریک پارک دلهره‌آور است.

مقصد بعدی پارک «پدر» در منطقه ۲ است. اگرچه وقتی از در پارک وارد می‌شوی روی تابلوی ورود و نقشه پارک بوستان مادر و کودک نوشته شده و نمی‌دانم این نام جدید پارک است که بی‌مصوبه شورای شهر بر آن نهاده‌اند یا نشانی که مشخص کند این بوستان هم بخشی از بوستان‌هایی است که برای مادران و کودکان مناسب‌سازی شده. زمانی که تازه باغ عبقری از بنیاد مستضعفان به شهرداری تهران منتقل شده بود خبرنگاران همراه محمد سعیدی‌کیا رئیس وقت بنیاد مستضعفان به این باغ ۱۲ هزار مترمربعی آمده بودند و حالا خبری از درختانی که آن موقع برای سرحال نشان‌دادن باغ کاشتند نبود؛ احتمالا به دلیل ایجاد فضاهای بازی و راه‌کشی‌ها جابه‌جا شده‌اند!

خانم میانسالی به همراه همسرش در حال دویدن دور پارک است. چند جوان دیگر هم آن سوی پارک ورزش می‌کنند. چرخی داخل پارک می‌زنم، اینجا هم خبری از حفاظ‌های جداکننده نیست. از خانم دونده که از مقابلم رد می‌شود می‌پرسم بخش کودکان و مادران کدام سمت پارک است؟

او هم به اتاقکی قهوه‌ای اشاره می‌کند که در انتهای پارک است. می‌گوید «همین است بسته است اما از پشت شیشه داخلش را می‌توانی ببینی. چیزی ندارد یک کم وسیله بازی داخلش ریخته‌اند».

دور تا دور این بوستان هم حصارکشی شده است. از یکی از عابران می‌پرسم این حصارها چه زمانی کشیده شد؟ می‌گویند زمانی که پارک افتتاح شد خبری از این حصارها نبود و به تازگی این حصارهای سبزرنگ دور تا دور پارک کشیده شده و پارک از ساعت ۱۲ شب قفل می‌شود.

حقیقت بوستان‌های مادر و کودک

در این دو بوستان خبری از جداسازی زنان و مردان نبود اما فضای پارک حصارکشی شده بود. حصارهایی که سال‌ها خبری از آن نبود. به تازگی سایت روابط عمومی شهرداری گفت‌وگوهایی به بهانه ایجاد فضاهای مادر و کودک منتشر کرده که مصاحبه‌شوندگان یک پاسخ مشترک دارند؛ آنها از امنیت پارک‌ها راضی نیستند، از حضور موتورسواران، معتادان و... و خواست آنها امنیت در فضای پارک است. به نظر می‌رسد راه‌حل شهرداری برای ایجاد این امنیت خرید چند متر میله و کشیدن حصار دور پارک‌ها باشد؛ اینکه شب‌ها قفل بر در پارک‌ها بزنند. مدتی پیش هم مطهر محمدخانی سخنگوی شهرداری تهران در گفت‌وگویی با سایت روابط عمومی شهرداری گفته بود: یکی از مطالبات جدی مردم از شهرداری تهران در دوره ششم، نیز سالم‌سازی و مناسب‌سازی پارک‌ها بوده که بارها در دیدارهای عمومی مردمی شهرداری از مناطق مختلف تهران به مدیران گوشزد شد، چون مردم برای حضور در پارک‌ها و بوستان‌های تهران با مشکلاتی مواجه هستند. شهروندان تهرانی بارها به صورت حضوری و یا ثبت شکایات در سامانه‌های شهرداری به این موضوع اعتراض کرده و گفته‌اند برای حضور خانواده‌هایشان در این فضای پارک‌ها احساس امنیت نمی‌کنند. مردم خواستار پاک‌سازی پارک‌ها از حضور اراذل و اوباش، فروشندگان مواد مخدر، معتادان متجاهر و افراد هنجارشکن شدند، سگ‌گردانی دیگر معضل مورد اشاره خانواده‌ها برای حضور در فضای پارک‌ها و بوستان‌هاست.

مواردی از حمله سگ‌ها به کودکان و خانواده‌ها طی سال‌های اخیر در پارک‌ها گزارش شده که یا باعث جراحات جسمی یا آسیب‌های روحی آنان شده است. او در توضیح اینکه برای پاسخ به این خواسته‌های شهروندان چه اقدامی از سوی شهرداری انجام شده توضیح داده است: برای مناسب‌سازی پارک‌ها، چند راه‌حل را پیش‌رو داشتیم. یکی از راه‌حل‌ها این بود که تمام پارک‌ها را برای مناسب‌سازی زیر بار عملیات اجرائی و بهسازی ببریم یا اینکه در هر ناحیه شهرداری یک پارک برای حضور خانواده‌ها تحت عنوان پارک مادر و کودک مناسب‌سازی شود که در نهایت، راه‌حل دوم برگزیده شد.

به گفته سخنگوی شهردار اتاق‌های مادر و کودک و اصلاح معابر برای عبور و مرور کودکان در این پارک‌ها ایمن شد و علاوه بر این با نیروی انتظامی برای ایجاد امنیت بیشتر در این پارک‌ها مذاکراتی صورت گرفته است.

او از طراحی سه مدل پارک مادر و کودک که براساس موقعیت و امکانات محلات پیش‌بینی شده خبر داده و گفته است: بوستان‌هایی که برای حضور مادران و کودکان‌شان مناسب‌سازی شده مانند مناسب‌سازی معابر، ایجاد اتاق مادر و کودک و رفع مخاطرات اجتماعی در تمام محلات در دستور کار است اما اگر محله‌ای چند پارک محلی داشته باشد یکی از این بوستان‌های مناسب‌سازی‌شده به طور کامل در اختیار مادران و کودکان قرار می‌گیرد و تنها خانم‌ها، مادران و فرزندان‌شان امکان استفاده از این بوستان‌ها را دارند و خانواده‌ها می‌توانند از بوستان‌هایی که در داخل همان محله است استفاده کنند. اگر بوستان بزرگی هم در یک محله باشد بخشی از آن فضا به مادران و کودکان تعلق می‌گیرد.

راهکار شهرداری برای امنیت پارک‌ها

تا به امروز ۲۷ بوستان به عنوان بوستان مادر و کودک مناسب‌سازی شده‌اند. بوستان‌هایی که احتمالا حصارکشی شده‌اند تا به اعتقاد تصمیم‌گیران تازه شهر امنیت را به این فضاها بازگردانند.

اما به اعتقاد کارشناسان حوزه شهری برای حل ریشه‌ای آسیب‌های اجتماعی به برنامه‌ریزی، آموزش و همراهی تشکل‌های مردم‌نهاد نیاز است. اگر ما یک محیط زندگی سالم می‌خواهیم، باید اشتغال و اقتصاد سالم داشته باشیم. ریشه بسیاری از آسیب‌های اجتماعی در اقتصاد ناسالم است.

حسن خلیل‌آبادی عضو سابق شورای شهر تهران معتقد است اینکه ما پارکی را محصور کنیم تا خانواده‌ها در آن احساس امنیت کنند، کار ریشه‌ای نیست. شاید موقتا نشانه‌های رفع آسیب‌ها را ببینیم، اما مگر آسیب‌ها محو می‌شوند؟

محمدجواد حق‌شناس، رئیس کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای شهر پنجم هم درباره حصارکشی بوستان‌ها به بهانه ایجاد امنیت گفته است اینکه بوستان‌ها محصور باشند یا نه سیاست مشخصی ندارد، پیش از این پارک‌ها محصور بودند، اما با تغییر نگرش در مدیریت شهری و اینکه فضای بوستان‌ها بخشی از فضای شهری است و نباید برایشان محدودیتی قائل بود، این حصارها برداشته شد. همه ساکنان این شهر باید از فضاهای شهری استفاده کنند، حصارکشی در فضاهای شهری برای کاهش آسیب‌های اجتماعی راهکاری علمی نیست همان‌طور که در دوره گذشته شورا در برابر تقاضای برخی از هنرمندان درخصوص حصارکشی اطراف تئاتر شهر مقاومت کرد، زیرا معتقد بودیم باید چاره دیگری برای کاهش آسیب‌های اجتماعی در این فضای فرهنگی که ناامن شده، اندیشیده شود و با هرگونه حصر فضاهای عمومی شهر مخالف بودیم.

بی‌اطلاعی شورا از یک طرح پرحاشیه

اما نکته‌ای که در ماجرای بوستان‌های مادر و کودک وجود دارد بی‌اطلاعی شورای شهر تهران از طرح‌های شهرداری است. شهردار تهران چندین بار در سخنانش از ایجاد بوستان‌های مادر و کودک خبر داده بود اما درباره جزئیات آن سخنی نگفته بود. اعضای شورای شهر هم براساس حدس و گمان‌های خود درباره این بوستان‌ها اظهار نظر کرده بودند.

زهرا شمس‌احسان عضو شورای شهر تهران درباره این بوستان‌ها گفته بود که این بوستان‌ها به صورت پایلوت در سطح مناطق ایجاد شده است؛ اما نیازمند اصلاح و بازنگری در انتخاب و تجهیز است. چراکه بازدید همکارانمان از این بوستان‌ها نشان داده که عموما بوستان‌های محلی زیر پنج هزار متر با هدف حداقل هزینه‌های تجهیز انتخاب شدند و فارغ از استقبال و رضایت شهروندان این پارک‌ها در مناطقی هستند که از نظر سرانه فضای سبز در مضیقه هستند. به گونه‌ای که خانواده‌ها برای استفاده از بوستان‌های دیگر باید مسافت زیادی را طی کنند. لذا موضوع محدودیت حضور آقایان بایستی منتفی شود و از طرفی دیگر فلسفه وجود اتاق مادر و کودک در بوستان‌های فرامنطقه‌ای است، نه اینکه ما در بوستان‌های محلی که ساکنان محله از این بوستان‌ها استفاده می‌کنند راه‌اندازی کنیم.

یا محمد آقامیری در توصیف این بوستان‌ها گفته بود که بوستان مادر و کودک یک طرح بسیار جذابی است که در همین مدت کوتاه مورد استقبال خانواده‌ها قرار گرفته و قرار شد در طول امسال ۳۵۲ بوستان به نام بوستان مادر و کودک در قسمتی از پارک‌های شهر تهران مجهز شود و برای آنها قابل استفاده شود. فضای مناسبی که مادرها با حجاب راحت‌تری بتوانند با کودکان خود بازی کنند و این یک طرح بسیار جالبی است که شهرداری تهران برنامه‌ریزی و اجرا می‌کند و در جاهای مختلف تبلیغ کردیم که مورد استقبال هم قرار گرفت. بعضا سؤال شده که پدر و مادر با هم می‌خواهند با بچه‌ها بازی کنند و گفتم که تعداد این بوستان‌ها ۳۵۲ تا است در حالی که تهران بیش از دو هزار و ۲۰۰ پارک دارد و قرار است در گوشه‌ای از ۳۵۲ پارک حصارکشی شود و مختص بوستان مادر و کودک باشد.

به گفته او در تمام کشورهای پیشرفته دنیا پارک‌های مخصوص کودکان موجود است چنین طرح جذابی هم در تهران دارد پیاده می‌شود و مورد استقبال شهروندان قرار گرفته و حالا عده‌ای با غرض‌ورزی‌های خاص خود نمی‌توانند این را ببینند و با ذهنیت منفی خود سیاه‌نمایی می‌کنند و تسری می‌دهند که می‌خواهند پارک‌ها را زنانه و مردانه کنند.

اما تصویری که اعضای شورای شهر از این بوستان‌ها داشتند با واقعیت بوستان‌های مادر و کودک متفاوت بود و نشان می‌داد مانند بیشتر برنامه‌ها و طرح‌های شهرداری باز هم شورا در جریان فعالیت‌های شهرداری در این حوزه قرار نگرفته است.

حقیقت بوستان‌های مادر و کودک در دنیا

نکته دیگری که درخصوص بوستان‌های مادر و کودک مطرح شد تجربه جهانی این نوع بوستان‌ها بود. روزنامه همشهری پیشنهاد داده بود که عبارتی مثل «Special park for mother and child» را در گوگل جست‌وجو کنیم تا با تعداد فراوانی از نمونه پارک‌هایی در شهرهای مختلف دنیا آشنا شویم که مخصوص حضور مادران و کودکان هستند. اما با سرچ این عبارت تنها به فضاهای پارک حاشیه‌ای خودرو برای والدینی که کودک دارند می‌رسیم و پارک‌هایی متعلق به کودکان و والدین هم‌زمان است. به نظر می‌رسد قرار است به بهانه امنیت دوباره حصارکشی پارک‌ها پس از چند دهه احیا شود و نام مادر و کودک بهانه‌ای است که این حصارکشی‌ها چندان به چشم نیاید.

لیست بوستان‌های مادر و کودک (منطقه، نام بوستان مناسب‌سازی‌شده)

منطقه یک بوستان ریحان، منطقه ۲ بوستان پدر، منطقه ۳ بوستان یاس، منطقه ۴ بوستان پلیس، منطقه ۵ بوستان جانبازان، منطقه ۶ بوستان اسدآبادی، منطقه ۷ بوستان هورفر، منطقه ۸ بوستان ترنج زندگی، منطقه ۹ بوستان جرجانی، منطقه ۱۰ باغ حکیم، منطقه ۱۰ شهید باقری، منطقه ۱۰ بوستان رضوان، منطقه ۱۰ بوستان خانواده، منطقه ۱۱ بوستان امیریه، منطقه ۱۲ بوستان بهاران زندگی، منطقه ۱۳ بوستان نشاط کودک، منطقه ۱۴ بوستان ائمه اطهار، منطقه ۱۵ بوستان خلیج فارس، منطقه ۱۶ هفده شهریور، منطقه ۱۷ بوستان نارون، منطقه ۱۸ بوستان قائم، منطقه ۱۹ بوستان نرگس، منطقه ۲۰ بوستان گلبرگ، منطقه ۲۱ بوستان گل‌ها، منطقه ۲۲ بوستان قبا.

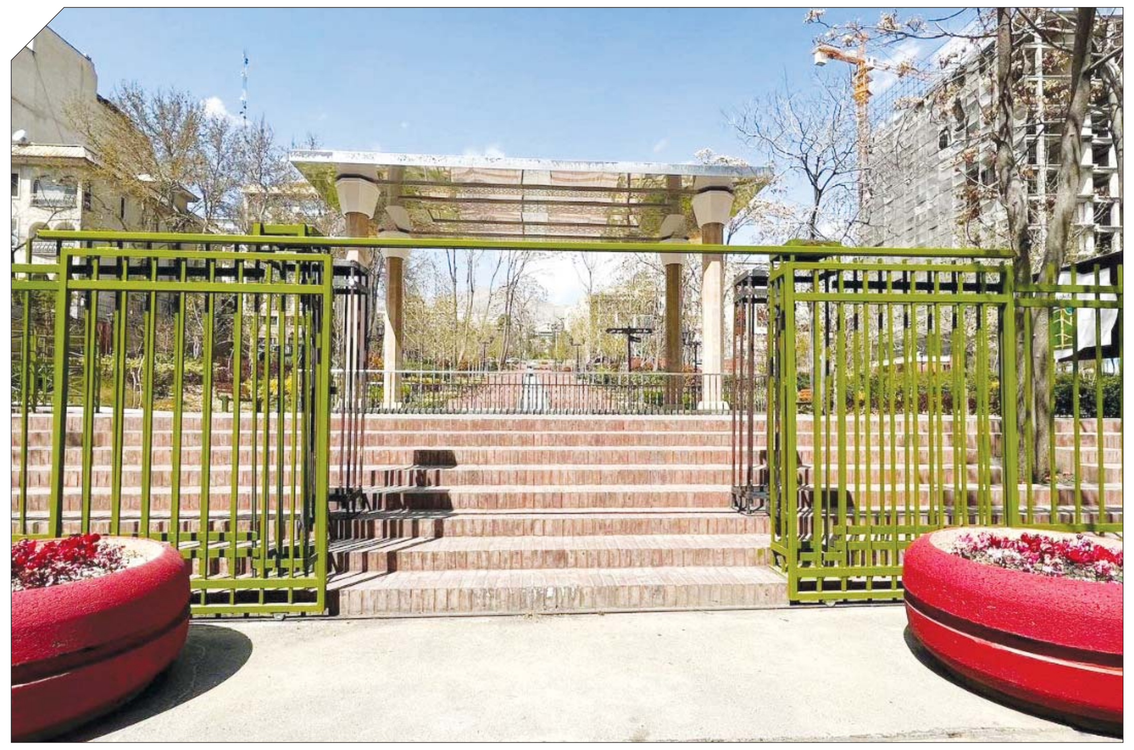

یادداشت

جنسیتی‌سازی شهر به مثابه تبعیض شهری

محمدکریم آسایش-کنشگر و پژوهشگر شهری: به تازگی برنامه‌ای توسط شهرداری تهران در حال اجراست به نام «بوستان مادر و کودک» که چگونگی آن مشخص نیست، نه مصوبه‌ای دارد، نه دستورالعملی، نه برنامه مدون اعلام‌شده‌ای و آمارهای متناقضی از آن مطرح شده است نظیر ۳۵۲ (به روایت دیگری ۲۰۰) بوستان که حصارکشی شده و فضایی از آن برای این طرح اختصاص می‌یابد، ۴۰ بوستان به طور کامل تک‌جنسیتی شده و به این طرح اختصاص می‌یابند که گفته شده از آن ۹ بوستان اجرا شده است و در فاز اول دستیابی به ۲۰ بوستان در هدف است و ۱۵ بوستان جدید بانوان هم احداث خواهد شد. نخستین مسئله که این برنامه را به یک تهدید بدل می‌سازد در همین غیرقانونی‌بودن آن و جایگزینی دستور شخصی شهردار به جای طرح‌ها و برنامه‌های مدون و مصوب است، در واقع آن را باید اقدامی در جهت تهدید مشروطیت شهری دانست. مخاطره دوم در فلسفه و مبنای این برنامه است، اینکه زنان را باید از چشم نامحرم حفظ کرد. مبنای این طرح بر یک اجبار از بالا به جای توجه به حق انتخاب است. در شرایطی که بوستان‌های بانوان و سایر فضاهای زنانه نظیر شهربانوها و شهردخت‌ها و سالن‌های الزهرا وجود دارند و این حق انتخاب را برای زنان فراهم می‌کنند که برای حفظ شئونات یا راحتی خود از آن بهره‌مند شوند، این طرح به جای تقویت حق انتخاب به دنبال جداسازی اجباری است. لفظ جداسازی اجباری برای این به کار برده می‌شود که درمورد تغییر بوستان‌های عمومی به تک‌جنسیتی که کاملا اجبار به همراه دارد و درمورد جداسازی فضا در این مقیاس از بوستان‌ها هم با توجه به اینکه از ۲۲۰۰ بوستان تهران، بخش عمده آنها بوستان‌های محله‌ای و در حد لچکی‌های سبز تجهیزشده هستند، در عمل همان جداسازی اجباری صورت خواهد گرفت و در نهایت هم این تفکیک با ایجاد تعارض و تشدید ناامنی، موجبات اجبار برای سوق‌دادن زنان برای استفاده از این فضا را به طور ناخواسته فراهم می‌سازد. مخاطره سوم آن است که مسئله امنیت زنان به جای رویکرد مناسب‌سازی با رویکرد صیانت قرار است تأمین شود، همان منطقی که در طرح «صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی» وجود دارد و مسئله امنیت زنان در پارک‌ها به جای آنکه اجتماعی-فضایی نگریسته شود، به صورت گلخانه‌ای نگاه می‌شود. مسئله امنیت اجتماعی در شهر و توانمندی اجتماعات محلی برای تأمین امنیت که اساس رویکرد «شهر امن» است که تجارب متعدد جهانی دارد و می‌توان جهت بررسی به کتاب «به سوی شهرهای امن‌تر؛ یکصد پرکتیس امیدبخش» از مرکز بین‌المللی پیشگیری از جرم، انجمن اروپایی امنیت شهری و برنامه اسکان بشر ملل متحد، رجوع کرد، نادیده گرفته می‌شود و حتی از سوی دیگر با طرح «نگهبان محله» قصد دارد با سلب مسئولیت از نیروی انتظامی، با خصوصی‌سازی و پولی‌سازی امنیت و تولید بلک‌واترزها به سائوپائولویی شدن تهران بیشتر دامن بزند و این رویکرد به تضعیف بیشتر امنیت زنان در شهر به‌ویژه در بوستان‌ها خواهد انجامید. خطر چهارم در تحریف و سوءاستفاده از طرحی تحت عنوان «اتاق مادر و کودک» است. در حالی که این طرح کارکرد خدماتی معینی برای مادران دارای نوزاد دارد و دارای استانداردهای مشخصی توسط مؤسسه ملی استاندارد، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های وزارت کشور و شورای عالی شهرسازی و معماری ایران است، بدون توجه به کارکرد، فلسفه و استانداردهای آن، به حصارکشی تقلیل یافته و پدیده‌ای مجعول ساخته است. تهدید پنجم در تحریف و کژکارکردسازی بوستان‌های عمومی از نقش خود به عنوان فضای عمومی و پاتوق اجتماعی به کارکردی صرفا خدماتی است که این حیات اجتماعی شهر را تهدید می‌کند و به زیرساخت اجتماعی آن لطمه اساسی می‌زند. مسئله ششم متوجه تعاملات خانوادگی و نحوه اجتماعی‌شدن کودکان است. این طرح ارتباط پدر و کودک، پدربزرگ و نوه، برادر و خواهر را نادیده گرفته و در آن اختلال ایجاد می‌کند، کودکان را از فضای عادی و عمومی تعامل اجتماعی جدا می‌سازد و بیش از پیش ایزوله کرده و حتی به مفهوم کودکی خدشه وارد می‌کند. می‌دانیم که طبق قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، کودکی تا ۱۸ سال تمام تعریف شده که مطابق با پذیرش کنوانسیون حقوق کودک توسط دولت ایران است اما این طرح در واقع مفهوم شرعی تفکیک کودکی و بزرگسالی را جایگزین مفهوم حقوقی و عرفی آن می‌کند. در نهایت این طرح را باید متن و بستر برنامه‌های قرارگاهی اخیر و تأکید شهردار تهران بر برجسته‌شدن نقش پلیس و دادگستری در اداره شهر تهران، خوانش کرد و نگران تبعات آن در امنیتی‌سازی شهر بود.

نگاهی به بوستان‌های مادر و کودک در کشور

دور خانواده‌ها حصار نکشید

علی یگانه‌نسب: حصارکشی پارک‌های محلی در تهران و دیوارکشی پارک آفرینش در بجنورد جدیدترین شاهکار مدیریت شهرهای کشور است. اقداماتی که به بهانه ناامن‌بودن فضاهای شهری برای بانوان انجام شد اما پیش‌بینی می‌شود فضاهای پویا و زنده شهر را به تاریکخانه تبدیل کند. آش آن‌قدر شور شد که کارزار مخالفت با حصار و دیوارکشی پارک توسط شهرداری بجنورد به راه افتاد و منتقدان آن را مخرب سیما و منظر شهری، عامل صدمه‌دیدن کسبه و محروم‌شدن خیل بسیاری از اهالی و مسافران از فضای پارک دانستند. اقدام شهرداری تهران نیز کم حاشیه درست نکرد تا اختصاص فضای ویژه به بانوان و دلایل آن بحث داغ شهرسازی در کشور شود.

سیدمحسن موسوی، عضو شورای اسلامی شهر بجنورد، معتقد است که اختصاص فضاهای ویژه بانوان باید به‌گونه‌ای باشد که امکان دسترسی آسان آنها میسر باشد و هم‌جواری، محرمیت، برخورداری از آرامش و شادی و امکانات ورزشی و توجه به تنوع قومی و فرهنگی در آن رعایت شود.

او می‌گوید: باید برای تحقق و مؤلفه‌های عدالت و متناسب‌سازی امکانات شهری برای جامعه بانوان تلاش کرد. همچنین امنیت ادراکی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های پارک بانوان است و باید این فضا عاری از موانع امنیتی بوده و روشنایی لازم را داشته باشد تا تعامل اجتماعی میان بانوان شکل گیرد.

موسوی تأکید می‌کند: پارک‌های بزرگ‌مقیاسی که محوریت خانواده دارند، مفهوم متفاوتی از پارک بانوان بوده و برای آنکه هرکدام از مفاهیم شکل گیرد باید تعریف متفاوتی انجام شود. ایجاد پارک بانوان از لحاظ اصول شهری قابل دفاع بوده و به ارتقای فضای شهری کمک می‌کند اما دوجنسیتی‌شدن پارک‌های موجود شهر چندان قابل دفاع نیست. او با اشاره به فرایندی که برای حصارکشی پارک آفرینش طی شده، ادامه می‌دهد: این مصوبه پس از طی مسیر قانونی در کمیسیون‌های خدمات شهری و عمران و صحن علنی شورای شهر اجرا شده، اما مورد اعتراض برخی کنشگران اجتماعی قرار گرفته است. یکی از دلایل این اعتراض همان ادراک امنیتی است که در مؤلفه‌های چنین فضاهایی به آن اشاره شد.

موسوی می‌گوید: برخی معتقدند امکان جاری‌شدن سیلاب در پارک وجود دارد زیرا با ایجاد دیوار یک مسیر ممتد ایجاد شده است. البته آب منطقه‌ای نسبت به این موضوع ایراد وارد کرده و هیئت تطبیق فرمانداری بر پیوست‌ها و مطالعات زیست‌محیطی تأکید کرده، زیرا خطرپذیری این فضا مدنظر است؛ بنابراین اگر موافقت اداره آب منطقه‌ای و دیگر سازمان‌های مرتبط اخذ شود این دیوارها همچنان باقی خواهد ماند. ملاک شورای شهر عمل به موازین قانونی است. عضو شورای شهر بجنورد اضافه می‌کند: در بجنورد یک پارک بانوان بیشتر وجود ندارد و پیشنهاددهندگان ایجاد فضای اختصاصی برای بانوان در پارک آفرینش معتقد بودند که نیاز است غرب بجنورد نیز دارای پارک ویژه بانوان شود. به این سبب اگر حصارکشی باقی بماند، باید موانع امنیت آن مرتفع شود تا شرایط حضور حداکثری مردم بجنورد فراهم شود. موسوی که مخالف این حصارکشی در شورای شهر بوده است، تأکید می‌کند: من به لحاظ‌شدن معیارها و شاخص‌های علمی ایجاد پارک بانوان اعتقاد داشتم و معتقد بودم که باید پارک جدید ایجاد شود، زیرا استفاده این پارک عمومی بوده و حتی برای اسکان مسافران نیز استفاده می‌شده است؛ پارک آفرینش این کاربری را داشته و مورد پذیرش، پویا و زنده بوده است؛ بنابراین اعتقاد داشتم که بر این اساس نباید در این پارک جداسازی رخ دهد، بلکه باید مبنای علمی و ملاحظات اجتماعی در نظر گرفته شود.

فارغ از آنچه در بجنورد رخ داده، شاید بهترین راه‌حل برای آنکه هم بانوان بتوانند در فضای امن به تفریح بپردازند هم فضاهای پویای شهری آسیب نبینند، ایجاد پارک‌های شهری با محوریت خانواده است. سیدمجتبی سبحانی‌ثابت، عضو شورای اسلامی شهر قم معتقد است زمانی می‌توان به ایجاد پارک‌های موضوعی و جداسازی فضاهای تفریحی برای استفاده مادر و کودک پرداخت که شهرها از داشتن بوستان‌های محلی اشباع شده باشد.

او می‌گوید: در شرایطی که ما کمبود بوستان و فضای تفریحی مناسب برای خانواده‌ها داریم و بسیاری از نقاط شهر قم به ویژه بافت تاریخی و کم‌برخوردار، محروم از بوستان است، ایجاد پارک‌های اختصاصی از قبیل پارک‌های مادر و کودک در اولویت نخست نیست. البته سعی شده در این چند سال در مناطق مختلف به‌ویژه مناطقی که بافت فشرده‌تری دارند املاک و قطعات کوچک حتی زیر هزار متری برای شناسایی و برای ایجاد بوستان تملک شود.

سبحانی اضافه می‌کند: آب‌انبارها، حمام‌ها و زمین‌های نسبتا مناسبی در این مدت جهت احداث بوستان‌های محلی برای کلان‌شهر قم شناسایی شده است. در این راستا جلسات مستمری با شهرداران مناطق برای نقطه‌گذاری و محل‌یابی احداث این بوستان‌ها برگزار و بخشی از اعتبارات مورد نیاز نیز در سال ۱۴۰۱ پیش‌بینی شده است.

او ادامه می‌دهد: احداث پارک‌های محلی در اولویت است تا با درخت‌کاری و ایجاد معبر، دسترسی مردم محلات به فضاهای تفریحی فراهم شود؛ در شهر قم فضاهای سبز بزرگی برای تفریح خانواده‌ها وجود دارد مانند بوستان غدیر اما همه شهروندان امکان رفتن روزانه به آنجا را ندارند. شهروندان به ویژه سالمندان به فضای سبز محلی نیاز دارند تا بعدازظهرها در آن قدم بزنند و نفس بکشند و تفریح کنند؛ بنابراین باید فضاهای ناکارآمد شهری به گونه‌ای احیا شود که مردم و خانواده‌ها بتوانند از آن استفاده کنند.

عضو شورای شهر قم می‌گوید: چنانچه فضای سبز محلی و فضاهای تفریحی مورد نیاز مردم در سطح شهر به اندازه‌ای توسعه پیدا کند که همه مردم و خانواده‌ها بتوانند از آنها به نحو مقتضی استفاده کنند، می‌توان ایجاد فضاهای اختصاصی را نیز در اولویت قرار دارد. ضرورت دارد به لزوم ایجاد نشاط اجتماعی و توصیه اسلام بر تفریح خانوادگی توجه شود؛ خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی بوده و اعضای آن باید بتوانند در کنار هم و در محیط امن تفریح کنند؛ بنابراین در کنار توجه به پارک‌های موضوعی باید مقوله امنیت نیز در ایجاد تمام فضاهای تفریحی مدنظر قرار گیرد و این موضوع همکاری و همراهی تمام ادارات، سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط را طلب می‌کند.

همچنین فرزانه کلاهدوزان، عضو شورای اسلامی شهر اصفهان می‌گوید که اختصاص فضاهای شهری مخصوص بانوان شهر همواره مطالبه آنها بوده است اما به نظر می‌رسد این موضوع نیاز به بازتعریف دارد. رویکرد شورای ششم شهر اصفهان خانواده محوری بوده و با توجه به تغییر سبک زندگی، نیاز است محور اصلی برنامه‌ها و سیاست‌ها به این سمت باشد؛ البته کارهای خوبی در گذشته انجام شده و لازم به تداوم آن با رویکرد و تعریف جدید است. او ادامه می‌دهد: اگر بنا باشد برای بانوان فضای اختصاصی در نظر گرفته شود، اصفهان بیش از همه به پردیس‌های خانواده‌محور نیاز دارد؛ متأسفانه تعریف مشخصی از این موضوع در ادبیات شهری وجود ندارد. در چند ماه گذشته سعی کردیم به تعریف مشخصی در این خصوص برسیم تا همه اعضای خانواده بتوانند از این فضا استفاده کنند. یکی از دلایل موافقان جداسازی فضاهای شهری، نبود امنیت برای زنان و خانواده‌ها در فضاهای شهری است؛ کلاهدوزان در این خصوص متعقد است: این نگرانی درباره خیلی از فضاهای شهری وجود دارد و بروز برخی آسیب‌های اجتماعی فضا را برای حضور خانواده‌ها نامناسب کرده است اما باید این اصل را به خاطر بسپاریم که فضاهای همگانی باید در اختیار همه مردم شهر قرار بگیرد؛ برای مثال بعضی از شهروندان از حضور در پیاده‌راه چهارباغ امتناع می‌کردند در حالی که در دنیا حتی اصفهان را به این محور می‌شناسند، بنابراین نباید صرفا به گروه یا قشر خاصی اختصاص داشته باشد. این رویکرد به‌تدریج فضا را برای حضور خانواده‌ها فراهم کرده و اگر اکنون به چهارباغ بروید می‌بینید که خانواده‌ها بیش از گذشته از این فضا استفاده می‌کنند.

عضو شورای شهر اصفهان ادامه می‌دهد: اخیرا تجربه مشابهی نیز در یکی از مناطق شهری اصفهان رخ داده است؛ نقطه‌ای از شهر که فضای بی‌دفاع شهری محسوب می‌شد، با حضور خانواده‌ها تبدیل به مکانی امن شد. زنان ساکن در این محل به صورت خودجوش و با همراهی معاونت فرهنگی منطقه تصمیم به حضور خانوادگی در آن نقطه گرفتند و با استفاده از میزهای مشاوره و برگزاری کلاس برای خانواده‌ها فضای منطقه را تغییر دادند. این یک تجربه موفق برای ایجاد بستر حضور خانواده‌ها در فضای شهری است؛ بنابراین باید تا حد امکان این تجربه را استمرار بخشید.